قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

الفلق

آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۱۳. سوره الفلق

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ (۲)

وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ (۳)

وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ (۴)

وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ (۵)

آشنایی با سوره

۱۱۳- فلق [صبح]

در این سوره فرمان به پیامبر است که به خدائی که آفریدگار فلق و سپیده دم است از شر همه پدیده ها و شر ظلمت فراگیر و جادوگران و حسودان، پناه ببرد.بعد از سوره فیل و قبل از ناس در مکه نازل شده و ۵ آیه دارد.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{قُلْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {أَعُوذُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (أنا) در تقدیر {بِرَبِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْفَلَقِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{مِنْ} حرف جر {شَرِّ} اسم مجرور یا در محل جر {ما} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {خَلَقَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَمِنْ} (و) حرف عطف / حرف جر {شَرِّ} اسم مجرور یا در محل جر {غاسِقٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {إِذا} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {وَقَبَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَمِنْ} (و) حرف عطف / حرف جر {شَرِّ} اسم مجرور یا در محل جر {النَّفَّاثاتِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {فِی} حرف جر {الْعُقَدِ} اسم مجرور یا در محل جر

{وَمِنْ} (و) حرف عطف / حرف جر {شَرِّ} اسم مجرور یا در محل جر {حاسِدٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل

جر {إِذا} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {حَسَدَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

آوانگاری قرآن

Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi.

Qul aAAoothu birabbi alfalaqi.۱

Min sharri ma khalaqa.۲

Wamin sharri ghasiqin itha waqaba.۳

Wamin sharri alnnaffathati fee alAAuqadi.۴

Wamin sharri hasidin itha hasada.۵

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده دم، (۱)

از شرّ آنچه آفریده، (۲)

و از شرّ تاریکی چون فراگیرد، (۳)

و از شرّ دمندگان افسون در گره ها، (۴)

و از شرّ [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد.» (۵)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح،

«۲» از شرّ تمام آنچه آفریده است؛

«۳» و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود؛

«۴» و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند [و هر تصمیمی را سست می کنند]؛

«۵» و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، (۱)

از زیان مخلوقاتی که [با انحرافشان از قوانین الهی به انسان] ضرر می رسانند، (۲)

و از زیان شب هنگامی که با تاریکی اش درآید [که در آن تاریکی انواع حیوانات موذی و انسان های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین اند] (۳)

و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره ها [می دمند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند] (۴)

و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد. (۵)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو من پناه میجویم به خدای فروزنده صبح روشن (۱)

از شر مخلوقات شریر و مردم بد اندیش (۲)

و از شر شب تار هنگامی که از پی آزار درآید و حشرات موذی و جنایتکاران و فتنه انگیزان را به کمک ظلمتش به ظلم و به جور و ستم برانگیزد (۳)

و از شر آنان افسونگر چون به جادو در گره ها بدمند در عصر رسول (ص) زنانی یهودیه بودند که سحر و جادوگری بر علیه مسلمین میکردند (۴)

و از شر حسود بدخواه چون بر وجود رسول (ص) و کمالات حضرتش شراره آتش رشک و حسد برافروزند رسول اکرم (ص) از اینها به خدا پناه برد تا امت هم به آن حضرت اقتدا کند (۵)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم. (۱)

از شرّ آفریده هایش. (۲)

و از شرّ تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد. (۳)

و از شرّ افسون گرانی که در گره ها می دمند. (۴)

و از شرّ هر حسود آنگاه که حسد ورزد. (۵)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بگو: پناه می برم به خداوند سپیده دم، (۱)

از شر آنچه آفریده است، (۲)

و از شر شب تاریک آنگاه که درآید، (۳)

و از شر زنان دمنده در گره ها - زنان جادوگر -، (۴)

و از شر هر بدخواه - حسود - آنگاه که بدخواهی کند. (۵)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

بگو: به پروردگار صبحگاه پناه می برم، (۱)

از شر آنچه بیافریده است، (۲)

و از شر شب چون درآید، (۳)

و از شر جادوگرانی که در گرهها افسون می دمند، (۴)

و از شر حسود چون رشک می ورزد. (۵)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو به پروردگار فلق پناه می برم (۱)

از شر هر آنچه آفریده است (۲)

و از شر شب چون در آید (۳)

و از شر زنان افسونگر دمنده در گره ها (۴)

و از شر رشکبری که رشک برد (۵)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بگو پناه برم به پروردگار بامداد (شکاف صبح) (۱)

از بدی آنچه آفرید (۲)

و از بدی تاریکی گاهی که فراگیرد (یا فرورود) (۳)

و از بدی زنان دمنده در گره ها (۴)

و از بدی حسود گاهی که حسد ورزد (۵)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

Say, 'I seek the protec-tion of the Lord of the daybreak ۱

,from the evil of what He has created ۲

,and from the evil of the dark night when it settles ۳

۴ and from the evil of the witches who blow on knots,

۵ and from the evil of the envious one when he envies.'

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱) Say: I seek refuge in the Lord of the dawn,

(۲) From the evil of what He has created,

(۳) And from the evil of the utterly dark night when it comes,

(۴) And from the evil of those who blow on knots,

(۵) And from the evil of the envious when he envies

ترجمه انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

(۱) SAY: "I take refuge with the Lord of Dawn

(۲) from the mischief of whatever He has created,

(۳) and from the evil of dusk as it settles down,

(۴) and from the mischief of women spitting on knots

(۵) and from the evil of some envier when he envies."

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(۱) Say: `I take refuge with the Lord of the Daybreak

(۲) from the evil of what He has created,

(۳) from the evil of darkness when it gathers,

(from the evil of the women who blow on knots, (۴

(from the evil of an envier when he envies.' (۵

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Say: I seek refuge in the Lord of Daybreak (۱

(From the evil of that which He created; (۲

(From the evil of the darkness when it is intense, (۳

(And from the evil of malignant witchcraft, (۴

(And from the evil of the envier when he envieth. (۵

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Mercifu

(Say: I seek refuge with the Lord of the Dawn. (۱

(From the mischief of created things; (۲

(From the mischief of Darkness as it overspreads; (۳

(From the mischief of those who practice Secret Arts; (۴

(And from the mischief of the envious one as he practices envy. (۵

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

,Dis: ‹Je cherche protection auprès du Seigneur de l'aube naissante .۱

,contre le mal des êtres qu'Il a créés .۲

۳. contre le mal de l'obscurité quand elle s'approfondit,

۴. contre le mal de celles qui soufflent (les sorcières) sur les noeuds,

۵. et contre le mal de l'envieux quand il envie».

ترجمه اسپانیایی

۱. Di: «Me refugio en el Señor del alba

۲. del mal que hacen sus criaturas,

۳. del mal de la oscuridad cuando se extiende,

۴. del mal de las que soplan en los nudos,

۵. del mal envidioso cuando envidia».

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

۱. Sprich: «Ich nehme meine Zuflucht beim Herrn der Morgendنmmerung,

۲. Vor dem bel dessen, was Er erschaffen,

۳. Und vor dem bel der Nacht, wenn sie sich verbreitet,

۴. Und vor dem bel derer, die auf die Knoten blasen (um sie zu lsen),

۵. Und vor dem bel des Neiders, wenn er neidet.»

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. Di': " Mi rifugio nel Signore dell'alba nascente,

۲. contro il male che ha creato,

۳. e contro il male dell'oscurità che si estende

۴. e contro il male delle soffianti sui nodi,

۵. e contro il male dell'invidioso quando invidia ".

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Скажи: "Прибегаю я к Господу рассвета

۲. от зла того, что он сотворил,

۳. от зла мрака, когда он покрыл,

۴. от зла дующих на узлы,

۵. от зла завистника, когда он завидовал!"

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- De ki: Sńrm karanlًyarp tan sabahn Rabbine.

۲- Yarattًmahlûklarn errinden.

۳- ِküp etraf kapladًzaman karanlًn errinden.

۴- Ve düǘmlere üfleyen kadnlarn errinden.

۵- Ve hasetçinin haset ettí zaman, errinden.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. (Ya Peyğəmbər!) De: "Pənah aparıram sübhün Rəbbinə

۲. Yaratdıqlarının (insanların, cinlərin, vəhşi heyvanların) şərindən;

۳. Zülmətə bürünməkdə olan gecənin (və ya: batan ayın, ziyası sönən ulduzların) şərindən;

۴. Ovsun oxuyub) düyünlərə üfürən (yaxud: cadu edib iplərə düyün vuran) qadınların) şərindən;

۵. Və bir də paxıllığı tutanda paxılın şərindən!"

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ايت رحم والا □□

۱. ک□و ک□ مي□ صبح ک□ پروردگار کی پنا□ مانگتا □و□

۲. □ر چيز کی بدی س□ جو اس ن□ پيدا کی

۳. اور شب تاريکی کی برائی س□ جب اس کااند□يرا چ□ا جائ□

۴. اور گن□و□ پر (پ□□ پ□□ کر) پ□ونکن□ واليو□ کی برائی س□

۵. اور حسد کرن□ وال□ کی برائی س□ جب حسد کرن□ لگ□

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زيات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. ووايه (ا□ محمده!) پناه غوا□م په رب د سهار (د تيار□ □□رونکی باند□) (و□م د تيار□ □يرونکی رب ته)

۲. له شره د هغه شی چ□ پيدا ک□□ ي□ دی(له ضرر رسونکی شيانو □خه)

۳. او له شره د تيار□ شپ□ کله چ□ تکه توره شی

۴. او له شره دهغه پوکی کوونکيو □□و چ□ غو□و ته پوکی ورکوی

۵. او له شره د حسد کوونکی کله چ□ □کاره ک□ی خپل حسد

ترجمه کردی

Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn (Muhemmed! tu aha) bêje, "Ez xwe davêjime .١
".(berbextê wî Xuda yê, ku şevê) diçirîne (sibehê) derdixe

.Ji sîkatîne hemî tiştê aferandîye .٢

.Û ji sikatîya şevê gava tarî dibe .٣

.Û ji sikatîya ançkeran, ku pufe girya dikin; girê didin .۴

.Û ji sikatîya Dexesan, gava dexesî dikin .۵

ترجمه اندونزی

(Katakanlah:" Aku berlindung kepada Tuhan Yang Menguasai subuh.(١

(Dari kejahatan makhluk-Nya,(٢) (١

(Dan dari kejahatan malam apabila telah gelap gulita,(٣) (٢

Dan dari kejahatan wanita- wanita tukang sihir yang menghembus pada buhul-
(buhul,(۴) (٣

(Dan dari kejahatan orang yang dengki apabila ia dengki".(۵) (۴

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah (۵

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Katakanlah (wahai Muhammad); "Aku berlindung kepada (Allah) Tuhan yang
(menciptakan sekalian makhluk, (١

(Dari bencana makhluk-makhluk yang Ia ciptakan; (٢"

(Dan dari bahaya gelap apabila ia masuk; (٣"

Dan dari kejahatan makhluk-makhluk yang menghembus-hembus pada simpulan-"
(simpulan (dan ikatan-ikatan); (۴

(Dan dari kejahatan orang yang dengki apabila ia melakukan dengkinya". (۵"

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Sema: Ninajikinga kwa Mola wa asubuhi.۱

.Na shari ya alichokiumba .۲

.Na shari ya usiku wa giza unapoingia .۳

.Na shari ya wenye kupuliza katika mafundo .۴

.Na shari ya hasidi anapohusudu .۵

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۶۷۹

(۱۱۳) سوره فلق مکی است و پنج آیه دارد (۵)

[سوره الفلق (۱۱۳): آیات ۱ تا ۵] ترجمه آیات به نام اللَّه که بخشنده به همه و مهربان به خواص از بندگان است.

بگو پناه می برم به پروردگار صبحدم (۱).

از شر هر چه که او خلق کرده و دارای شر است (۲).

و از شر شب وقتی که با ظلمتش فرا می رسد (۳).

و از شر زنان جادوگر که به گره ها می دمند و افسون می کنند (۴).

و از شر حسودی که بخواهد زهر حسد خود را بریزد (و علیه من دست بکار توطئه شود) (۵).

بیان آیات در این سوره به رسول گرامی خود دستور می دهد که از هر شر و از خصوص بعضی شرور به او پناه ببرد، و این سوره به طوری که از روایات وارده در شان نزولش بر می آید در مدینه نازل شده است «۱».

(۱) و اگر در آغاز گفته شد در مکه نازل شده به تبعیت قرآنهای موجود بود." مترجم".

[معنای" فلق" در" قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ" و مفاد" مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ"]

" قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ" مصدر" عوذ" که کلمه" اعوذ" متکلم وحده از مضارع آن است، به معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن از شر از راه پناه بردن به کسی است که می تواند آن شر را دفع کند، و کلمه" فلق"- به فتحه اول و سکون دوم-

به معنای شکافتن و جدا کردن است، و این کلمه در صورتی که با دو فتحه باشد صفت مشبهه ای به معنای مفعول خواهد بود، نظیر" قصص" به دو فتحه (چون قصص به کسره اول و فتحه دوم جمع قصه است)، که به معنای مقصوص یعنی حکایت شده، و یا نقل شده است، و غالبا این کلمه بر هنگام صبح اطلاق می شود، و فلق یعنی آن لحظه ای که نور گریبان ظلمت را می شکافد و سر بر می آورد.

و بنا بر این، معنای آیه چنین می شود: بگو من پناه می برم به پروردگار صبح، پروردگاری که آن را فلق می کند و می شکافد، و مناسب این تعبیر با مساله پناه بردن از شر، که خود ساتر خیر و مانع آن است، بر کسی پوشیده نیست.

ولی بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: مراد از کلمه" فلق" هر چیزی است که از کتم عدم به وسیله خلقت سر بر آورد، برای اینکه خلقت و ایجاد در حقیقت شکافتن عدم، و بیرون آوردن موجود به عالم وجود است، در نتیجه رب فلق مساوی با رب مخلوق است.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: کلمه" فلق" نام چاهی است در جهنم.

مؤید این قول بعضی «۳» از روایاتی است که در تفسیر این سوره وارد شده.

" مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ" یعنی از شر هر مخلوقی، چه انسان و چه جن و چه حیوانات و چه هر مخلوق دیگری که شری همراه خود دارد، پس، از عبارت" ما خلق" نباید توهم کرد که تمامی مخلوقات شرند و یا شری با خود دارند، زیرا مطلق آمدن این عبارت دلیل بر استغراق و کلیت نیست.

" وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ" در

صحاح می گویـد: کلمه" غسق" به معنای اولین مرحله از ظلمت شب است، وقتی گفته می شود" قـد غسق اللیل" معنایش این است که تاریکی شب فرا رسید، و غاسق شب، آن ساعتی است که شفق سمت مغرب ناپدید شود «۴».

و کلمه" وقوب" که مصدر فعل ماضی" وقب" است، به معنای داخل شدن است.

---

(۱) تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۹۲.

(۲ و ۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۸۰.

(۴) صـــحاح اللغـــه، مـــاده" غســـق".

در نتیجه معنـای آیه این می شود: و از شـر شب وقتی که با ظلمتش داخل می شود. و اگر در آیه شـریفه شـر را به شب نسـبت داده، به خاطر این بوده که شب با تاریکیش شـریر را در رساندن شر کمک می کند، و به همین جهت می بینیم شروری که در شب واقع می شود بیشتر از شـرور واقع در روز است. علاوه بر این، انسان که مورد حمله شـرور است، در شب ناتوان تر از روز است.

ولی بعضی «۱» گفته انـد: مراد از کلمه" غـاسق" خصوص شب نیست، بلکه هر شـری است که به آدمی هجوم بیـاورد، هر چه می خواهد باشد.

[ذکر خصوص شر شبانگاه، شر ساحران و شر حاسد بعد از ذکر" من شر ما خلق" از باب اهتمام به این سه شرط است

در آیه اول مطلق شـر را ذکر کرد، و در آیه دوم خصوص" شـر غـاسق" را یاد آور شـد، و این خود از باب ذکر خاص بعـد از عام است، تا اهتمام بیشتر نسـبت به خاص را برساند، و در این سوره بعد از ذکر شـر عام، به خصوص سه شر اهتمام شده است: یکی شر شب وقتی داخل می شود. و

دوم شر ساحران. و سوم شر حاسد، که مشغول توطئه می گردد. و اهتمام بیشتر نسبت به این سه نوع شر بخاطر این است که انسان از این سه شر غافل است، یعنی این سه نوع شر در حال غفلت آدمی حمله می آورند.

" وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِي الْعُقَدِ" یعنی و از شر زنان جادوگر ساحر، که در عقده ها و گره ها علیه مسحور می دمند، و به این وسیله مسحور را جادو می کنند. و اگر از میان جادوگران، خصوص زنان را نام برد، برای این بود که سحر و جادوگری در بین زنان بیشتر است تا مردان، و از این آیه استفاده می شود که قرآن کریم تاثیر سحر را فی الجمله تصدیق دارد، و نظیر این آیه در تصدیق سحر آیه زیر است که در داستان هاروت و ماروت می فرماید:" فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ ما هُمْ بِضارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ" «۲»، و نیز نظیر آن، آیه ای است که سخن از ساحران فرعون دارد.

ولی بعضی «۳» از مفسرین گفته اند: آیه مورد بحث نظری به سحر ندارد، بلکه مرادش از دمندگان در گره ها، آن زنانی است که با تسویلات خود تصمیم های شوهران را از ایشان می گیرند و رأی شوهران را متمایل به آن جانبی می کنند که خودشان صلاح می دانند و دوست ______________________

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

(۲) از هاروت و ماروت آن سحری را می آموختند که به وسیله آن بین شوهر و همسرش جدایی بیندازند، ولی آنها نمی توانند به احدی آسیب برسانند مگر به اذن خدا. سوره بقره، آیه ۱۰۲.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

دارند،

پس مراد از کلمه" عقد"- که جمع عقده است- رأی، و مراد از" نفث در عقد" به طور کنایه سست کردن تصمیم شوهر است. ولی این معنایی به دور از ذهن است.

" وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ" یعنی از شر حسود وقتی که مبتلا به حسد گشته و مشغول اعمال حسد درونی خود شود و علیه محسود دست بکار گردد.

بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: این آیه شامل چشم زدن اشخاص شور چشم نیز می شود، چون چشم زدن هم ناشی از نوعی حسد درونی می گردد، شخص حسود وقتی چیزی را ببیند که در نظرش بسیار شگفت آور و بسیار زیبا باشد حسدش تحریک شده، با همان نگاه، زهر خود را می ریزد.

بحث روایتی [چند روایت حاکی از نزول" معوذتین" بعد از بیمار شدن پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلّم) بر اثر سحر یک یهودی

در الدر المنثور است که عبد بن حمید، از زید بن اسلم روایت کرده که گفت: مردی یهودی رسول خدا (ص) را جادو کرد، و در نتیجه آن حضرت بیمار شد، جبرئیل بر او نازل گشته دو سوره معوذتین را آورد و گفت: مردی یهودی تو را سحر کرده و سحر مذکور در فلان چاه است، رسول خدا (ص) علی (ع) را فرستاد آن سحر را آوردند، دستور داد گره های آن را باز نموده، برای هر گره یک آیه بخواند، علی (ع) هر گرهی را باز می کرد یک آیه را می خواند، به محضی که گره ها باز و این دو سوره تمام شد، رسول خدا (ص) برخاست، گویا پای بندی از پایش باز شده باشد «۲».

مؤلف: و از کتاب" طب الأئمه" نقل شده که به

سند خود از محمد بن سنان از مفضل از امام صادق (ع) نظیر این معنا را روایت کرده «۳». و در این معنا روایات بسیاری از طرق اهل سنت با مختصر اختلافی وارد شده، و در بسیاری از آنها آمده که زبیر و عمار را هم با علی (ع) فرستاد «۴»، و در آن کتاب روایاتی دیگر نیز از طرق ائمه اهل ______________________

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۷.

(۳) نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۱۸ به نقل از طب الأئمه.

(۴) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۸۳.

بیت (ع) نقل شده «۱».

و به این دسته روایات اشکالی کرده اند، و آن این است که این روایات با مصونیت رسول خدا (ص) از تاثیر سحر نمی سازد، و چگونه سحر ساحران در آن جناب مؤثر می شده با اینکه قرآن کریم مسحور شدن آن جناب را انکار نموده، فرموده:" وَ قالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُوراً انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا" «۲».

لیکن این اشکال وارد نیست، برای اینکه منظور مشرکین از اینکه آن جناب را مسحور بخوانند، این بوده که آن جناب بی عقل و دیوانه است، آیه شریفه هم این معنا را رد می کند، و اما تاثیر سحر در اینکه مرضی در بدن آن جناب پدید آید، و یا اثر دیگری نظیر آن را داشته باشد، هیچ دلیلی بر مصونیت آن جناب از چنین تاثیری در دست نیست.

و در مجمع البیان است که: از رسول خدا (ص) روایت شده که بسیار می شد رسول خدا (ص) حسن و حسین را با این دو سوره تعویذ می کرد «۳».

و

نیز در همـان کتـاب از عقبه بن عـامر روایت شـده که گفت: رسول خـدا (ص) فرمود: آیاتی بر من نازل شـده که نظیرش نازل نشده، و آن دو سوره" قُلْ أَعُوذُ" است، این حدیث را در صحیح آورده «۴».

مؤلـف: در الـدر المنثور این حـدیث را به ترمـذی و نسـایی و غیر آن دو نیز نسـبت داده، و نیز روایـتی در این معنـا از کتـاب" أوسط" طبرانی از ابن مسعود نقل کرده «۵».

و بعیـد نیست که مراد آن جنـاب از نـازل نشـدن مثـل این دو سوره این باشـد که تنهـا این دو سوره در مورد عوذه و حرز نازل شده، و هیچ سوره ای دیگر این خاصیت را ندارد.

[نظر ابـن مسـعود دائر بر اینکـه" معـوذتین" جزء قرآن نیست، رد این نظر و بیـان اینکه تـواتر قطعی بر اینکه این دو سـوره جزء قرآنند وجود دارد]

و در الدر المنثور است که احمد، بزار، طبرانی، و ابن مردویه از طرق صحیح از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده اند که ابن مسعود دو سوره" قُلْ أَعُوذُ" را از قرآن ها پاک ______________________

(۱) نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۱۸ به نقل از طب الأئمه.

(۲) ستمگران گفتند شما پیروی نمی کنید مگر مردی سحر شده را، ببین چگونه مثلها برایت می زنند، و در نتیجه گمراه گشته راه به جایی نمی برند. سوره فرقان، آیه ۸ و ۹.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۷.

(۵) الـــــــــــــــــدر المنثـــــــــــــــــور، ج ۶، ص ۴۱۶.

می کرد و می تراشـید، و می گفـت: قرآن را بـه چیزی که جز و قرآن نیست مخلـوط مکنیـد، این دو سـوره جز و قرآن نیست، بلکه تنها به این

منظور نازل شد که رسول خدا (ص) خود را به آن دو حرز کند. و ابن مسعود هیچ وقت این دو سوره را به عنوان قرآن نمی خواند.

مؤلف: سیوطی بعد از نقل این حدیث می گوید: بزار گفته احدی از صحابه ابن مسعود را در این سخن پیروی نکردند، و چگونه می توانستند پیروی کنند، با اینکه به طرق صحیح از رسول خدا (ص) نقل شده که در نماز این دو سوره را می خواند، و علاوه بر این در قرآن کریم ثبت شده است «۱».

و در تفسیر قمی به سند خود از ابو بکر حضرمی روایت کرده که گفت: خدمت ابی جعفر (ع) عرضه داشتم: ابن مسعود چرا دو سوره" قُلْ أَعُوذُ" را از قرآن پاک می کرده؟ فرمود: پدرم در این باره می فرمود: این کار را به رأی خود می کرده و گر نه آن دو از قرآن است «۲».

مؤلف: و در این معنا روایات بسیاری از طرق شیعه و سنی رسیده، علاوه بر این، جزو بودن این دو سوره برای قرآن، مورد تواتر قطعی تمامی کسانی است که متدین به دین اسلامند، و لذا می بینیم در پاسخ بعضی از منکرین اعجاز قرآن که گفته اند: اگر قرآن معجزه بود نباید در جزئیت این دو سوره برای قرآن اختلاف شود، گفته اند تواتر قطعی هست بر اینکه این دو سوره جزو قرآن است، و این تواتر کافی است در اینکه به اختلاف مذکور اعتنایی نشود، علاوه بر این آنها هم که گفته اند: این دو سوره جزو قرآن نیست، نگفته اند که ساخته خود رسول خدا (ص) است، و از ناحیه خدای تعالی نازل نشده، و نیز نگفته اند که مشتمل بر اعجاز در

بلاغت نیست، بلکه تنها گفته اند جزو قرآن نیست، که آن هم گفتیم قابل اعتناء نیست، چون تواتر علیه آن قائم است.

[چند روایت در باره مراد از" فلق" و در باره آثار حسد]

و در الدر المنثور است که ابن جریر، از ابو هریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود:" فلق" نام چاهی رو پوشیده است در جهنم «۳».

مؤلف: در معنای این روایت روایات بسیاری دیگر هست که در بعضی از آنها آمده:

فلق نام دری است در جهنم که وقتی باز شود جهنم افروخته گردد، این روایت را عقبه بن عامر نقل کرده «۴». و در بعضی از آنها آمده چاهی است در دوزخ که وقتی بخواهند دوزخ را شعله ور

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۶.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۰.

(۳، ۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۸.

سازند از آنجا شعله ور می کنند، ناقل این روایت عمرو بن عنبسه است «۱». و از این قبیل روایاتی دیگر.

و در مجمع البیان می گوید بعضی ها گفته اند: فلق چاهی در جهنم است که اهل جهنم از شدت حرارت آن به دنبال پناهگاهی می گردند، ناقل این حدیث سدی است «۲». و ابو حمزه ثمالی «۳» و علی بن ابراهیم «۴» هم آن را در تفسیر خود آورده اند.

و در تفسیر قمی از پدرش از نوفلی از سکونی از امام صادق (ع) روایت آورده که فرموده: رسول خدا (ص) فرمود: فقر با کفر فاصله چندانی ندارد، و حسد آن قدر مؤثر است که گویی می خواهد از قضا و قدر الهی هم جلو بزند «۵».

مؤلف: این روایت به همین عبارت از انس از رسول خدا (ص) نقل شده «۶».

و در

کتاب عیون به سند خود از ملطی از حضرت رضا از پدر بزرگوارش، و آن جناب از آبای گرامش از رسول خدا (ص) روایت کرده اند که فرمود: نزدیک است که حسد از قضا و قدر الهی سبقت بگیرد «۷». (این تعبیر کنایه است از شدت تاثیر حسد، نه اینکه می تواند سبقت بگیرد، چون تاثیر حسد هم خود از قضاء و قدر الهی است).

و در الدر المنثور است که: ابن ابی شیبه از انس روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: حسد حسنات آدمی را می خورد، آن چنان که آتش هیزم را «۸». (لطفی که در این تشبیه بکار رفته از نظر خواننده مخفی نماند).

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۸.

(۲ و ۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۸.

(۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۹.

(۵) این حدیث در تفسیر قمی وجود ندارد و در اصول کافی (ج ۲، ص ۲۳۳، باب الحسد) آن را از علی بن ابراهیم نقل می کند و گویا در اینجا اشتباهی در ذکر نام علی بن ابراهیم و تفسیرش رخ داده.

(۶) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۲۰.

(۷) عیون اخبار الرضا، جزء ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۶، ط نجف.

(۸) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۲۰.

تفسیر نمونه

سوره فلق

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره فلق

جمعی معتقدند که این سوره در مکه نازل شده است هر چند جمعی دیگر از مفسران آن را ((مدنی)) می دانند.

محتوای این سوره تعلیماتی است که خداوند به پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) خصوصا و به سایر مسلمانان عموما، در زمینه پناه بردن به ذات پاک

او از شر همه اشرار می دهد، تا خود را به او بسپارند، و در پناه او از شر هر موجود صاحب شر در امان بدارند.

در باره شاءن نزول این سوره روایاتی در غالب کتب تفسیر نقل شده که مطابق آنها پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به وسیله بعضی از یهود مورد سحر قرار گرفته ، و بیمار شده بود، جبرئیل نازل شد و محل ابزار سحر را که در چاهی پنهان کرده بودند نشان داد، آن را بیرون آوردند، سپس این سوره را خواندند، و حال پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بهبود یافت .

ولی مرحوم طبرسی و بعضی دیگر از محققان اینگونه روایات را که سند آن فقط به دو نفر ابن عباس و عایشه منتهی می شود زیرا سؤ ال قرار دادند، زیرا: اولا- سوره طبق مشهور مکی است و لحن آن نیز لحن سوره های مکی را دارد، در حالی که درگیری پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) با یهود در مدینه بوده است و این خود دلیلی است بر عدم اصالت اینگونه روایات .

از سوی دیگر اگر پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به این آسانی مورد سحر ساحران قرار گیرد تا آنجا که بیمار شود و در بستر بیفتد، به آسانی ممکن است او را از مقاصد بزرگش بازدارند، مسلما خداوندی که او را برای چنان ماموریت و رسالت

عظیمی فرستاده از نفوذ سحر ساحران حفظ خواهد کرد، تا مقام والای نبوت بازیچه دست آنها نشود.

از سوی سوم اگر بنا شود سحر در جسم

پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) اثر بگذارد ممکن است این توهم در مردم پیدا شود که سحر در روح او نیز مؤ ثر است ، و ممکن است افکارش دستخوش سحر ساحران گردد، و این معنی اصل اعتماد به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را در افکار عمومی متزلزل می سازد .

و لذا قرآن مجید این معنی را نفی می کند که پیغمبر مسحور شده باشد می فرماید: و قال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا انظر کیف ضربوا لک الامثال فضلوا فلا یستطیعون سبیلا: ظالمان گفتند شما از یک انسان سحره شدهای پیروی می کنید، ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند؟ آنچنانکه نمی توانند راه را پیدا کنند! (فرقان ۸ و ۹).

((مسحور)) در اینجا خواه به معنی کسی باشد که از نظر عقلی سحر شده یا در جسمش ، در هر صورت گواه بر مقصود ما است .

به هر حال با چنین روایات مشکوکی نمی توان قداست مقام نبوت را زیر سؤ ال برد، و در فهم آیات بر آنها تکیه کرد.

درباره فضیلت این سوره از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نقل شده است که فرمود: انزلت علی آیات لم ینزل مثلهن : المعوذتان : ((آیاتی بر من نازل شده که همانند آنها نازل نشده است ، و آن دو سوره ((فلق ((و ((ناس)) است)). <۱>

و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم : کسی که در نماز ((وتر)) سوره ((فلق)) و ((ناس)) و ((قل هو الله احد))

را بخواند به او گفته می شود ای بنده خدا بشارت باد بر تو خدا نماز وتر تو را قبول کرد. <۲>

و باز در روایتی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم که به یکی از یارانش فرمود می خواهی دو سوره به تو تعلیم کنم که برترین سوره های قرآن است ؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا! حضرت معوذتان (سوره فلق و سوره ناس) را به او تعلیم کرد، سپس آن دو را در نماز صبح قرائت نمود و به او فرمود: هر گاه برمی خیزی و می خوابی آنها را بخوان . <۳>

روشن است اینها برای کسانی است که روح و جان و عقیده و عمل خود را با محتوای آن هماهنگ سازند.

تفسیر :

پناه می برم به پروردگار سپیده دم !

در نخستین آیه به شخص پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به عنوان یک الگو و پیشوا

دستور می دهد: بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح که دل سیاهی شب را می شکافد (قل اعوذ برب الفلق).

از شر تمام آنچه آفریده است (من شر ما خلق).

از شر همه موجودات شرور، انسانهای شرور، جن و حیوانات و حوادث و پیشامدهای شر و از شر نفس اءماره .

((فلق)) (بر وزن شفق) از ماده فلق (بر وزن خلق) در اصل به معنی شکافتن چیزی و جدا کردن بعضی از بعضی دیگر است ، و از آنجا که به هنگام دمیدن سپیده صبح پرده سیاه شب می شکافد، این واژه به معنی طلوع صبح ، به کار

رفته ، همانگونه که ((فجر)) نیز به همین مناسبت بر طلوع صبح اطلاق می شود.

بعضی آن را به معنی همه موالید و تمام موجودات زنده اعم از انسان و حیوان و گیاه می دانند، چرا که تولد این موجودات که با شکافتن دانه و تخم و مانند آن صورت می گیرد از عجیب ترین مراحل وجود آنها است ، و در حقیقت هنگام تولد جهش عظیمی در آن موجود رخ می دهد و از جهانی به جهان دیگری گام می نهد.

در آیه ۹۵ انعام می خوانیم : ان الله فالق الحب و النوی یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی ((خداوند شکافنده دانه و هسته است ، زنده را از مرده خارج می سازد، و مرده را از زنده)).

بعضی نیز مفهوم فلق را از این هم گسترده تر گرفته اند، و آن را به هر گونه آفرینش و خلقت اطلاق کرده اند، چرا که با آفرینش هر موجود پرده عدم شکافته می شود و نور وجود آشکار می گردد.

هر یک از این معانی سه گانه (طلوع صبح - تولد موجودات زنده - آفرینش هر موجود) پدیده ای است عجیب که دلیل بر عظمت پروردگار و خالق و مدبر

آن است ، و توصیف خداوند به این وصف دارای مفهوم و محتوای عمیقی است .

در بعضی از احادیث نیز آمده که ((فلق)) چاه یا زندانی در دوزخ است ، و همچون شکافی در دل جهنم خودنمائی می کند.

این روایت ممکن است اشاره به مصداقی از مصداقهای آن باشد نه اینکه مفهوم گسترده ((فلق)) را محدود کند.

تعبیر به ((من شر ما خلق))

مفهـومش ایـن نیسـت که آفرینش الهی در ذات خـود شـری دارد، چرا که آفرینش همـان ایجـاد است ، و ایجـاد و وجـود خیر محض است ، قرآن می گوید: الذی احسن کل شی ء خلقه ((همان خدائی که هر چه را آفرید نیکو آفرید)) (الم سجده - ۷).

بلکه شـر هنگامی پیدا می شود که مخلوقات از قوانین آفرینش منحرف شوند و از مسیر تعیین شده جدا گردند، فی المثل نیش و دنـدان برنـده حیوانـات یـک حربه دفاعی برای آنها است که در برابر دشـمنانشان به کار می برنـد هماننـد سـلاحی که ما در مقابل دشـمن از آن اسـتفاده می کنیم ، اگر این سـلاح به مورد به کار رود خیر است ، اما اگر نابجا و در برابر دوست مصـرف گردد شر است .

وانگهی بسـیاری از امور است که مـا در ظـاهر آنهـا را شـر حسـاب می کنیم ولی در بـاطن خیر است ماننـد حوادث و بلاهـای بیدارگر و هشدار دهنده که انسان را از خواب غفلت بیدار ساخته و متوجه خدا می کند اینها مسلما شر نیست .

سپس در توضـیح و تفسـیر این مطلب می افزاید: ((و از شر هر موجود مزاحمی هنگامی که وارد می شود)) (و من شر غاسق اذا وقب).

((غاسق)) از ماده ((غسق))(بر وزن شـفق) به گفته ((راغب)) در ((مفردات)) به معنی شـدت ظلمت شب است که در همان نیمه شب حاصل می شود، و لذا قرآن مجید به هنگام اشاره به پایان وقت نماز مغرب می فرماید: الی غسق

اللیل ، و اینکه در بعضی از کتب لغت غسق به معنی تاریکی آغاز شب تفسیر

شده ، بعید به نظر می رسد، بخصوص اینکه ریشه اصلی این لغت به معنی امتلاء (پر شدن) و سیلان است ، و مسلما تاریکی شب هنگامی پر و لبریز می شود که به نیمه رسد، یکی از مفاهیمی که لازمه این معنی است هجوم و حمله ور گشتن است ، لذا در این معنی نیز استعمال شده .

بنابراین معنی ((غاسق)) در آیه مورد بحث یا ((فرد مهاجم)) است ، یا هر ((موجود شرور)) که از تاریکی شب برای حمله کردن استفاده می کند، زیرا نه فقط حیوانات درنده و گزنده شب هنگام از لانه ها بیرون می آیند و زیان می رسانند، بلکه افراد شرور و ناپاک و پلید نیز غالبا از تاریکی شب برای مقاصد سوء خود استفاده می کنند.

((وقب)) (بر وزن شفق)) از ماده ((وقب)) (بر وزن نقب) به معنی حفره و گودال است ، سپس فعل آن به معنی ورود در گودال به کار رفته ، گوئی موجودات شرور و زیان آور از تاریکی شب استفاده کرده ، و با ایجاد حفره های زیانبار برای تحقق بخشیدن به مقاصد پلید خود اقدام می کنند، یا اینکه این تعبیر اشاره به ((نفوذ کردن)) است .

بعد می افزاید: ((و از شر آنها که در گره ها می دمند)) (و من شر النفاثات فی العقد).

((نفاثات)) از ماده ((نفث)) (بر وزن حبس) در اصل به معنی ریختن مقدار کمی از آب دهان است ، و از آنجا که این کار با دمیدن انجام می گیرد، ((نفث)) به معنی ((نفخ)) (دمیدن) نیز

آمده است .

ولی بسیاری از مفسران ((نفاثات)) را به معنی ((زنان ساحره)) تفسیر

کرده اند (نفاثات جمع مؤ نث است و مفرد آن ((نفاثه)) صیغه مبالغه از نفث می باشد) آنها اورادی را می خواندند و در گره هائی می دمیدند و به این وسیله سحر می کردند، ولی جمعی آن را اشاره به زنان وسوسه گر می دانند که پی در پی در گوش مردان ، مخصوصا همسران خود، مطالبی را فرو می خوانند تا عزم آهنین آنها را در انجام کارهای مثبت سست کنند، و وسوسه های این گونه زنان در طول تاریخ چه حوادث مرگباری که بار نیاورده ، و چه آتشها که بر نیفروخته و چه عزمهای استواری را که سست نساخته است .

فخر رازی می گوید زنان به خاطر نفوذ محبتهایشان در قلوب رجال ، در آنان تصرف می کنند. <۴>

این معنی در عصر و زمان ما از هر وقت ظاهرتر است زیرا یکی از مهمترین وسائل نفوذ جاسوسها در سیاستمداران جهان استفاده از زنان جاسوسه است که با این نفاثات فی العقد قفلهای صندوقهای اسرار را می گشایند و از مرموزترین مسائل با خبر می شوند و آن را در اختیار دشمن قرار می دهند.

بعضی نیز نفاثات را به نفوس شریره ، و یا جماعتهای وسوسه گر که با تبلیغات مستمر خود گره های تصمیمها را سست می سازند تفسیر نموده اند.

بعید نیست که آیه مفهوم عام و جامعی داشته باشد که همه اینها را شامل شود حتی سخنان سخن چینها، و نمامان که کانونهای محبت را سست و ویران می سازند.

البته باید توجه داشت که

قطع نظر از شاءن نزول سابق نشانه ای در آیه نیست که منظور از آن خصوص سحر ساحران باشد، و به فرض که آیه را چنین تفسیر کنیم دلیل بر صحت آن شاءن نزول نمی باشد، بلکه تنها دلیل بر این است

که پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از شر ساحران به خدا پناه می برد، درست مثل اینکه افراد سالم از بیماری سرطان به خدا پناه می برند هر چند هرگز مبتلا به آن نشده باشند.

در آخرین آیه این سوره می فرماید: و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد (و من شر حاسد اذا حسد).

این آیه نشان می دهد که حسد از بدترین و زشت ترین صفات رذیله است ، چرا که قرآن آن را در ردیف کارهای حیوانات درنده و مارهای گزنده ، و شیاطین وسوسه گر قرار داده است .

۱ - مهمترین منابع شر و فساد

در آغاز این سوره به پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دستور می دهد که از شر تمام مخلوقات شرور به خدا پناه برد، سپس در توضیح آن اشاره به سه گونه شر می کند شر مهاجمین تاریک دل که از تاریکیها استفاده می کنند و حمله ور می شوند.

شر وسوسه گرانی که با سخنان و تبلیغات سوء خود اراده ها، ایمانها، عقیده ها محبتها و پیوندها را سست می کنند.

و شر حسودان .

از این اجمال و تفصیل چنین استفاده می شود که عمده شرور و آفات از همینجا سرچشمه می گیرد و مهمترین منابع شر و فساد این سه منبع است و

این بسیار پر معنی

و قابل تامل می باشد.

۲ - تناسب آیات

قابل توجه اینکه در نخستین آیه این سوره به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دستور می دهد که به پروردگار فلق پناه برد، از شر تمام موجودات ذی شر، انتخاب ((رب فلق)) شاید به خاطر این است که موجودات شرور نور و روشنائی سلامت و هدایت را قطع می کنند، ولی پروردگار فلق شکافنده ظلمتها و تاریکیها است .

۳ - تاثیر سحر

در جلد اول ذیل آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره بحثهای مفصلی در باره حقیقت سحر در زمانهای گذشته و امروز، و حکم سحر از نظر اسلام .

و چگونگی تاثیر آن بحثهای مشروحی داشتیم ، و در آن مباحث تاثیر سحر را به طور اجمال پذیرفته ایم ، ولی نه به آن صورتی که پندارگرایان و افراد خرافی از آن سخن می گویند، برای توضیح بیشتر به همان بحث مراجعه فرمائید.

اما نکته ای که ذکر آن در اینجا لازم است این است که اگر در آیات مورد بحث به پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دستور می دهد که از سحر ساحران یا مانند آن به خدا پناه برد، مفهومش این نیست که پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) مورد سحر آنها قرار گرفته ، بلکه درست به این میماند که پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از هر گونه اشتباه و خطا و گناه نیز به خدا پناه می برد، یعنی با استفاده از لطف خدا از این خطرات مصون می ماند و اگر لطف خدا نبود امکان تاثیر سحر در حق

او بود، این از یکسو.

از سوی دیگر سابقا گفتیم دلیلی نداریم که منظور از ((النفاثات فی العقد)) ساحران باشد.

۴ - شر حسودان !

((حسد)) یک خوی زشت شیطانی است که بر اثر عوامل مختلف مانند ضعف ایمان و تنگ نظری و بخل در وجود انسان پیدا می شود، و به معنی درخواست و آرزوی زوال نعمت از دیگری است .

حسد سرچشمه بسیاری از گناهان کبیره است .

حسد همانگونه که در روایات وارد شده است ایمان انسان را می خورد و از بین می برد همانگونه که آتش هیزم را!

همانگونه که امام باقر (علیه السلام) می فرماید: ان الحسد لیاکل الایمان کما تاکل النار الحطب . <۵>

در حدیث دیگری از امام صادق آمده است آفه الدین الحسد و العجب و الفخر: آفت دین حسد است و خود بزرگ بینی و تفاخر. <۶>

این به خاطر آن است که حسود در واقع معترض به حکمت خدا است که که چرا به افرادی نعمت بخشیده ؟ و مشمول عنایت خود قرار داده است ؟ همانگونه که در آیه ۵۴ نساء می خوانیم : ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله .

کار حسد ممکن است به جائی رسد که حتی برای زوال نعمت از شخص محسود خود را به آب و آتش زند و نابود کند، چنانکه نمونه اش در داستانها و تواریخ معروف است .

در نکوهش حسد همین بس که نخستین قتلی که در جهان واقع شد از ناحیه قابیل نسبت به برادرش ((هابیل)) بر اثر انگیزه ((حسد)) بود.

((حسودان)) همیشه یکی از موانع راه انبیا و اولیا بوده اند، و لذا قرآن

مجید

به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دستور می دهد که از شر حاسدان به خدا و رب فلق پناه برد.

گر چه مخاطب در این سوره و سوره بعد شخص پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است ولی مسلما منظور الگو و نمونه است و همه باید از شر حسودان به خدا پناه برند.

خداوندا! ما نیز از شر حسودان به ذات مقدس تو پناه می بریم .

پروردگارا! از تو می خواهیم که خود ما را نیز از حسد نسبت به دیگران حفظ نمائی .

بارالها ! ما را از شر نفاثات فی العقد و وسوسه گران در راه حق نیز محفوظ بدار.

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر بوستان پر گل و لاله دیگری از بوستان های قرآن ایستاده ایم.

پیش از ورود به آن، به شناسنامه اش می نگریم:

۱ - نام این سوره در آغاز این سوره روی سخن با پیامبر نور و آزادی است، و خدا به او دستور می دهد تا از شرّ همه پدیده ها و شرارت و افسونگری همه جادوگران و حسودان و فریبکاران به پروردگار سپیده دم پناه برد.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ....

و نام این سوره از آغازین آیه آن بر گرفته شده، و «فلق» نام دارد.

فرودگاه آن در مورد فرودگاه این سوره دو نظر است:

به باور بیشتر مفسران این سوره در مدینه فرود آمده است، امّا گروهی نیز بر آنند که این سوره در مکّه و پس از سوره «فیل» فرود آمده است.

۳ - شمار آیه ها و حروف آن این سوره دارای

۵ آیه است، و از ۲۳ واژه، و ۷۳ حرف شکل گرفته است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأ قل اعوذ برب الفلق و... فکانّما قرأ جمیع الکتب التی انزلها اللّه علی الانبیاء.(۳۶۶)

کسی که سوره «فلق» و سوره «ناس» را بخواند، بسان کسی است که همه کتاب هایی را که خدا بر پیامبران فرو فرستاده، خوانده است.

و نیز آورده اند که فرمود:

انزلت علّی آیات لم ینزل مثلهن: المعوذتان.(۳۶۷)

بر من آیاتی فرود آمده است، که همانند آن ها فرود نیامده است، و آن ها آیات دو سوره «فلق» و «ناس» است.

و نیز «عقبه» آورده است که پیامبر فرمود: آیا دو سوره از قرآن را به تو بیاموزم که برترین سوره هاست؟ گفتم آری. آن حضرت دو سوره «فلق» و «ناس» رابه من آموخت و فرمود: این دو سوره را به هنگام خواب و برخاستن از خواب بخوان.

و از امام باقر آورده اند که:

من اوتر بالمعودتین و قل هو اللّه احد، قیل له یا عبد اللّه! ابشر فقد قبل اللّه وترک.(۳۶۸)

هر کس در نماز «وتر» سوره «فلق» و «ناس» و «اخلاص» را بخواند، به او گفته می شود: هان ای بنده خدا، مژده ات باد که خدا نماز «وتر» تو را پدیرفته است.

یادآوری می گردد که همه این پاداش ها و نویدها در گرو درست اندیشی، گفتار سنجیده، عملکرد عادلانه و انسانی، رعایت صادقانه آزادی و امنیت و حقوق و کرامت مردم است، نه خواندن، یا حفظ کردن، یا تفسیر و نگارش تنها، و یاچاپ و نشر قرآن، و یا شعار و ادعای پیروی از آن، و یا ابزار سلطه و

سرکوب و یا کالای قدرت و مقام و دنیا ساختن آن است.

دورنمایی از محتوای آن در آیات پنجگانه این سوره خدای فرزانه، پیام آور خود را مخاطب می سازد و به او و رهروان راه توحیدی او آموزش می دهد که چگونه در فراز و نشیب های حیات دل در گرو عشق خدا سپارند و از هر بدی و ناخوشایند و شرارت و وسوسه هر موجود خطرناك و وسوسه گری به او - که سرچشمه قدرت هاست - پناه برند و بدین وسیله دل را به ساحل آرامش برسانند و به نعمت امنیت روح برسند.

۱ - بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم،

۲ - از شر آنچه آفریده است؛

۳ - و از شرّ شب تیره، آن گاه که در آید؛

۴ - و از شرّ آن دمندگان در گره ها؛

۵ - و از شرّ حسود، آن گاه که حسد ورزد.

نگرشی بر واژه ها

فلق: این واژه در اصل به معنی شکافتن بسیار گسترده آمده است. هنگامی که گفته می شود: «فلق رأسه بالسیف» منظور این است که: سر او را با شمشیر شکافت. و از آن جایی که به هنگام سپیده سحر و دمیدن صبح، پرده سیاه شب، به وسیله روشنایی روز شکافته می شود، این واژه در مورد طلوع صبح و یا سپیده سحر به کار می رود.

غاسق: این واژه در اصل به معنی «مهاجم» و یورشگری است که در اندیشه زیان رساندن است. در آیه منظور شدت ظلمت و سیاهی است؛ چرا که در دل تاریکی شب درندگان و گزندگان از لانه ها و سوراخ های خود بیرون می آیند و زیان می رسانند.

این واژه به معنی «چرکابه» نیز آمده

است، چرا که وقتی گفته می شود: «غسقت القرحه» منظور سرباز کردن زخم و بیرون آمدن چرک از آن است.

واژه «غسّـاق» نیز از همین مـاده است که به معنی چرک و خون دوزخیان آمـده است، که به سـبب سوختنِ در آتش جاری می گردد.

و نیز به معنی ریزش اشک چشم آمده است. «غسقت عینه» یعنی اشکش سرازیر گردید.

وقوب: به معنی وارد شـدن و نفوذ کردن آمـده است. واژه «وقب» از همین ماده است. و نیز به معنی دمیدن در بوق آمده است، چرا که هوا در آن وارد می شود.

نفث: به معنی دمیـدن و ریختن اندکی از آب دهان آمده است. واژه «نفاثات»، جمع مونث می باشد، که مفرد آن «نفاثه» نیز از همین ماده، و به معنی «دمندگان» آمده، و دارای معنی مبالغه است.

حاسـد: به معنی کسـی است که زوال و نـابودی نعمت را برای دیگری آرزو می کنـد، گرچه برای خودش نیز نباشـد، به همین دلیل «حسد» به عنوان یک بیماری اخلاقی و بلای اجتماعی، سـخت مورد نکوهش قرار گرفته است. در برابر آن، «غبطه» است که وصفی است پسندیده، چرا که فرد هم برای خود نعمت می خواهد، و هم بسان آن را برای دیگری، و هرگز زوال نعمت را نمی خواهد.

شأن نزول برخی از مفسران اهل سنّت آورده اند که: یکی از یهود به نام «لبید» بر ضد پیامبر گرامی دست به سحر و افسون زد، و ساخته و پرداخته خود را در عمق چاهی نهان کرد.

پیامبر بر اثر آن افسون، بیمار گردید، و دو فرشته به دیدارش آمدند. یکی از آن دو، کنار سر مبارک آن حضرت نشست

و دیگری پـایین پـای او، و به هنگام عیادت، موضوع افسون را با او در میان نهادنـد. آن حضـرت، علی(ع) را به همراه برخی از یاران فرستاد و با نشان و آدرسی که به آنان داد، نوشته آن مرد افسونگر را از عمق چاه بالا کشیدند و آوردند؛ آن گاه بود که این سوره و سوره پس از آن فرود آمـد و بـا خوانـدن آن ها بر آن نوشـته و آن نیرنگ افسونگرانه، همه بافته ها و دمـدمه های ساحر نقش بر آب گردید و پیامبر سلامت خود را باز یافت.

فرشـته وحی پس از خوانـدن آیـات ایـن دو سـوره بر قلب نـورانی پیـامبر، گفت: خـدا وجـود گرامی تـو را از هر آنچه آزارت رساند، و نیز از چشم بد و حسود حفظ می کند و شفایت می بخشد.

برخی این روایت را از «عایشه» و «ابن عباس» آورده انـد، که به باور ما بی اساس است، چرا که پندار افسون شدگی و جنون به وجود گرامی پیامبر، از تهمت های شـرک گرایان و بیدادگران است و قرآن ضـمن نفی این بافته ها، چنین پندار و صاحب آن را در گمراهی دور و درازی می نگرد و می فرماید:

...اذ یقول الظالمون ان تتبعون الّا رجلاً مسحوراً انظر کیف ضربوا لک الامثال فضلوا...(۳۶۹)

ما بهتر می دانیم... آن گاه که سـتمکاران می گوینـد: آنان جز مردی افسون شده را پیروی نمی کنند. بنگر که چگونه برای تو مثالها زدند و گمراه شدند و در نتیجه نمی توانند راه به جایی ببرند.

بـا این بیـان روایتِ بیـانگر شـأن نزول، پوچ است، مگر این که گفته شود بدانـدیشان برای آسـیب رسـانی و اثرگـذاری در آن حضرت به هر تلاش و جنایتی، از جمله سحر و افسون دست

یازیدند، امّا هرگز نتوانستند در آن عقل کل و آن انسان والا اثر گذارند.

افزون بر این اگر آنان می توانستند به وسیله افسون و جادو سلامتی آن وجود گرانمایه را به خطر افکنند، آیا تنها به این قناعت می کردند؟ و آیا جز به کمتر از کشتن او رضایت می دادند؟

با این بیان روایتی که در شأن نزول آمده، بی اساس است و با خرد و کتاب خدا و روایات رسیده ناسازگار.

تفسیر

به پرودگار سپیده دم پناه می برم در آغازین آیه این سوره، خدای فرزانه روی سخن را به پیامبرش می کند و می فرماید:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ هان ای پیامبر! بگو: پناه می برم به پرودگار سپیده دم،

در آیه، گرچه به ظاهر روی سخن با پیامبر است و به او فرمان می رسد، امّا پیام به همه مردم می باشد و منظور این است که: هان ای پیامبر! به مردم بگو و بیاموز که: به پروردگار سپیده دم و آفریدگار و تدبیرگر توانا و فرزانه آن پناه می برم؛

آن گاه می فرماید:

مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ از شرّ هر آنچه ذات بی همتای او از پریان و آدمیان و دیگر جنبندگان و حیوانات آفریده است،

از دیدگاه گروهی از مفسران پیشین از جمله «ابن عباس»، بدان جهت به سپیده دم، «فلق» گفته شده است که به هنگام دمیده شدن سپیده، پرده سیاه شب به وسیله آن شکافته می شود. واژه «فجر» نیز دراین مورد به کار رفته است، چرا که با آمدن روشنایی سپیده دم، سیاهی شب شکاف بر می دارد و می رود.

امّا از دیدگاه پاره ای منظور از واژه «فلق»، نوزاد است که از پدر و مادر ولادت می یابد. برخی نیز برآنند

که منظور شکافتن دانه و تخم و همانند آن است که گل و گیاه باشرایط و نظامی شگفت انگیز از آنها ولادت می یابد.

به باور «سدی» واژه «فلق» به معنی چاهی است بسیار عمیق در دوزخ که گرفتاران در آن جا، از شدت سوزانندگی آتشِ آن به خدا پناه می برند.

این دیدگاه را «ابوحمزه ثمالی» و «علی بن ابراهیم» هم روایت کرده اند.

گفتنی است که مفهوم آیه مورد بحث عام است و در تقدیر می تواند این گونه باشد: هان ای پیامبر! بگو: از شرّ درندگان، گزندگان، پریان، شیطان ها، آدمیان بداندیش و هر آنچه پروردگار سپیده دم آفریده است، به ذات بی همتای او پناه می برم.

سپس در روشنگری بیشتر در همین مورد می افزاید:

وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ

و از شرّ تاریکی آن گاه که فرا گیرد،

از دیدگاه گروهی از جمله «ابن عباس»، «مجاهد» و «حسن» منظور این است که: و از شرّ شب آن گاه که تاریکی و ظلمت آن جهان را فراگیرد، به پروردگار سپیده دم پناه می برم.

با این بیان به نظر می رسد منظور رویدادهای ناگواری است که در شب تار پدید می آید. اختصاص شب به یادآوری به خاطر آن است که گناهکاران و بداندیشان، بیشتر در شب تار به ستم و بیداد دست می یازند؛ همین گونه گزندگان و درندگان، بیشتر در تاریکی شب آسیب می رسانند.

واژه «غسق» در اصل به معنی پرشدن و جریان یافتن چیزی به زیان و ضرر آمده است. واژه «غاسق» را نیز به «مهاجم» و یورشگری تفسیر کرده اند که زیان می رساند، خواه از انسان ها باشد یا از دیگر پدیده ها.

در چهارمین آیه مورد بحث می افزاید:

وَ مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدِ

و از شرّ آن هایی که در گره ها می دمند و افسون می کنند،

از دیدگاه «حسن» و «قتاده» منظور این است که: و از شرّ زنان افسونگری که جادو می کنند و در گره ها می دمند، به پروردگار سپیده دم پناه می برم.

در روزگار فرود قرآن و نیز در زمان ما برخی از مردم چنین می پندارند که افسونگران می توانند در سلامتی و بیماری کسی اثر گذارند، و یا سود و زیانی را متوجه او سازند و یا دور کنند، و نیز برخی می پندارند که جادوگران با جنیان سر و سرّی دارند و از آن ها علم غیب می آموزند، و با پندار این توانایی برای آنهاست که از آن ها احساس خطر، و یا به آنان احساس نیاز می کنند و این پنداری است که برای دین و دنیای انسان بسیار زیانبار است، و می تواند آرامش خاطر را از فرد و جامعه سلب کند،

به همین جهت خدای آگاه و توانا برای آرامش خاطر بخشیدن به مردم با ایمان و توجه دادن به فرمانروای هستی، به آنان دستور می دهد که از شرّ همه پدیده ها و تاریکی شب به پروردگار سپیده دم پناه ببرند.

امّا «ابومسلم» در این مورد می گوید: واژه «نفاثات» نه افسونگران، بلکه منظور زنانی است که با دلربایی و وسوسه های خود رأی و نظر مردان را می زنند و آنان را به راه دلخواه خود می برند. با این بیان از دیدگاه و قصد و آهنگ و یا رأی و عزم، به «عقده» و گره تعبیر می گردد و از گشودن آن ها به دمیدن تعبیر می شود؛ و از دیر باز جریان این گونه بوده است که هر کسی کاری را گره زد و بر آن

دمید، باید خود آن را بگشاید.

و در آخرین آیه مورد بحث می افزاید:

وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ

و از شرّ هر حسود و حسادت ورزی، آن گاه که حسد ورزد، به پروردگار سپیده دم پناه می برم.

و این دستور نیز بدان دلیل است که انسان حسادت ورز و گرفتار به این بلای اخلاقی و بیماری اجتماعی هر لحظه ممکن است برای تسکین ناراحتی درونی خود، به انسانی که مورد حسادت اوست زیانی وارد آورد، از این رو باید از شرّ او نیز به خدا پناه برد.

از دیدگاه پاره ای منظور از شرّ حسود، زیان رساندن چشم اوست، چرا که بسیار شده است که شورچشمی حسود به گونه ای در فرد مورد نظرش اثر نهاده، که او را دچار زیان و ضرر و یا بیماری و عیب ساخته است.

در روایت آمده است که چشم زدن گاه واقعیت دارد، و برخی از چشم ها دارای این اثرند. العین حق.(۳۷۰)

پاره ای آورده اند که: پیامبر، شتری به نام «عضباء» داشت که در همه مسابقات اسب دوانی و شتر دوانی پیش می افتاد. روزی مردی صحرانشین آمد و به آن حضرت پیشنهاد مسابقه شتر دوانی داد.

مسابقه آغاز گردید و شترِ هماره برنده و پیشتاز پیامبر بر خلاف انتظار باخت. این موضوع بر یاران بسیار گران آمد، امّا آن حضرت فرمود: بر خداست که هیچ کس و هیچ چیزی را در دنیا اوج نبخشد و بالا نبرد، جز این که آن را پایین آورد.

و نیز آورده اند که فرمود: هر کس چیزی را دید و از آن خوشش آمد، بگوید: «اللّه! اللّه، ماشاءاللّه و لا قوه الا باللّه» در پناه خدا،

از زیان و بدآمد روزگار در امان می ماند.

و آورده اند که آن حضرت دو نور دیده اش حسن و حسین عزیز را به وسیله این دو سوره در پناه خدا سپرد

برخی از قرآن پروهان آورده اند که: خدای فزرانه همه شرارت ها و رویدادهای ناگوار را در این سوره آورد، آن گاه آن را با هشدار از خصلت نکوهیده حسد به پایان برد، تا روشنگری کند که این خصلت زشت و ظالمانه پست ترین و زیانبارترین بیماری های اخلاقی است و باید از آن به خدا پناه برد.

تفسیر اطیب البیان

سوره فلق ، غرض سوره :دستور دادن پیامبر به استعاذه و پناه بردن به خدا.

(۱) (قل اعوذ برب الفلق):(بگو پناه می برم به پروردگار صبحدم)

(۲) (من شر ما خلق):(از شر هر چه که او خلق کرده)

(۳) (و من شر غاسق اذا وقب):(و از شر شب وقتی که با ظلمتش فرا می رسد)

(۴) (و من شر النفاثات فی العقد):(و از شر زنان جادوگر که در گره ها می دمند وافسون می کنند)

(۵) (و من شر حاسد اذا حسد):(و از شر حسودی که بخواهد حسد بورزد)(عوذ)یعنی احتراز جستن از شر و پناه بردن به کسی که می تواند آن را دفع کند و پناه دهد و (فلق) یعنی شکافتن وجدا کردن که معمولا در مورد صبح بکار می رود، چون صبح گریبان ظلمت را می درد و سر بر می آورد.می فرماید: بگو، من به پروردگار صبح پناه می برم ، همان پروردگاری که صبح را ازپس ظلمت شب می شکافد و بیرون می آورد(همانطور که خیر، ظلمت شر را از بین می برد و می زداید)بعضی مفسران گفته

اند: مراد از فلق ، هر چیزیست که بوسیله خلقت از کتم عدم سربر می آورد، در نتیجه رب فلق ، یعنی رب مخلوقات .و بعضی دیگر فلق را چاهی درجهنم دانسته اند.در ادامه به پیامبر ص دستور می دهد که از شر هر مخلوقی که خدا آن را آفریده ، به خدا پناه ببرد، یعنی هر موجودی که شری به همراه خود دارد اعم از جن و انس وحیوانات و نیز از شر تاریکی شب وقتی که فرا می رسد و داخل می شود، چون (غسق)یعنی ابتدای ظلمت وتاریکی شب و وقتی که نور خورشید در مغرب ناپدیدمی شود.و علت نسبت دادن شر به شب این است که شب با ظلمتش شریر را در رساندن شر مددمی کند و شروری که در شب واقع می شود بیشتر از شرور روز است و انسان در شب قدرت دفاعی کمتری دارد.ولی بعضی مفسران کلمه (غاسق) را به معنای هر شری دانسته اند که به آدمی هجوم بیاورد، اعم از شب و غیر آن .در ادامه به پیامبر ص دستور می دهد که از شر زنان جادوگر به خدا پناه برد، و اینکه زنان جادوگر را نام می برد به جهت آنست که سحر بیشتر درزنان شیوع دارد و از این آیه و آیه ۱۰۲ سوره بقره استفاده می شود که قرآن کریم تأثیر سحر را فی الجمله تصدیق می کند، هرچند که هیچ یک ازساحران بدون اذن خدا قادر نیستند که به کسی ضرری برسانند. ولی بعضی مفسران این آیه را متوجه ساحران ندانسته اند، بلکه مراد از آن را زنانی می دانند که

با حیله های خود شوهران را از تصمیم خود منصرف می کنند، و در آخرپیامبر را از شر حسود برحذر می دارد،آن زمانی که مبتلا به حسد گشته و در اثر آن دست به اعمالی بر علیه شخص مورد حسد می زند،ولی بعضی مفسران گفته اند: این آیه شامل چشم زخم نیز می شود، چون چشم زدن هم نوعی ابراز حسد درو نیست. در این سوره خداوند ابتدا مطلق شر را ذکر کرد و سپس به موارد خاصی از شر اشاره نمود(شر شب ، شر جادوگران و شر حسود)و ذکر این موارد خاص پس از مورد عام ،اهتمام بیشتر به این سه مورد را می رساند، چون انسان از این سه نوع شر غافل است و اینهادر حال غفلت آدمی به وی حمله می آورند.

تفسیر نور

کلمه «فلق» مثل «فجر» به معنای شکافتن است، شکافتن سیاهی شب یا سپیده صبح: <<فالق الاصباح>><۱۱۴۵>؛ شکافتن دانه درون خاک. <<فالق الحبّ و النَّوی ><۱۱۴۶>

مراد از «غاسق» آغاز شب است که تاریکی را به همراه می آورد. چنانکه در آیه ای دیگر می فرماید: <<اقم الصلوه لدلوک الشمس الی غسق اللیل>><۱۱۴۷>

شاید مراد از «غاسق» هر موجود ظلمت آور باشد که تاریکی های معنوی را به همراه خود می آورد و گسترش می دهد.

از آنجا که افراد شرور، برای حمله و هجوم و یا توطئه چینی از تاریکی شب استفاده می کنند، لذا به خدا پناه می بریم از شروری که در شب واقع می شود.

«نفّاثات» از «نَفث» به معنای دمیدن و «عُقَد» جمع «عَقْد» به معنای گره است.

در هر چیزی احتمال بروز شرّ وجود دارد، حتی کمالاتی مثل علم و احسان، شجاعت و عبادت نیز آفاتی دارند. آفت علم،

غرور؛ آفت احسان، منّت گذاردن؛ آفت عبادت، عُجب و آفت شجاعت، ظلم و تهوّر است.

در آسیب پـذیری سه اصـل وجود دارد آمادگی هجوم از سوی دشـمن فرصت های مناسب برای هجوم نظیر تاریکی ها وجود حفره ها و نقطه ضعف ها آری دشمن به دنبال تاریکی ها و حفره ها و نقاط ضعف است.

تبلیغـات سوء، جوسازی ها، سـخن چینی ها، جاسوسـی ها و شایعه پراکنی ها، نمونه هایی از <<نفّاثات فی العقـد>> است، یعنی می دمنـد تا محکمات را سـست کنند. چنانکه کسانی با وسوسه و شک میان همسـران فتنه گری می کنند <<ما یفرّقون بین المرء و زوجه>><۱۱۴۸>

با اینکه هرچه خـدا آفریـده، خیر است: <<الّذی احسن کلّ شـی ء خلقه>><۱۱۴۹> لکن هر چیزی اگر در مسـیر صـحیح خود قرار نگیرد، شـرّ می شود. چنانکه آهن خیر است ولی اگر چاقو شد، امکانِ سوء استفاده از آن وجود دارد. <<مِن شر ما خلق>>

<<شرّ ما خلق>> یعنی شرّ از سوی مخلوقات است، نه از سوی خالق و نه ناشی از خلقت.

پنـاه بردن به خـدا از خطرات، تنها با گفتن «اَعوذ» حاصل نمی شود، بلکه علاوه بر گفتن، عمل نیز لازم است. چنانکه اهل بیت پیـامبرعلیهم السـلام وقـتی مسـکین و یـتیم و اسیر را اطعـام کردنـد، گفتنـد: <<انّـا نخـاف من ربّنـا یومـاً عبوسـاً قمطریرا>><۱۱۵۰> ما از روز قیامت ترسـیم که اطعام کردیم. قرآن می فرمایـد: <<فوقاهم اللّه شـرّ ذلک الیوم>><۱۱۵۱> خداوند نیز آنان را از شرّ آن روز نجات داد. پس گفتن <<انّا نخاف>> به تنهایی کارساز نیست، بلکه باید همراه با عمل باشد.

زشت صورتی نزد رسول خـدا از زشتی چهره خود شـکایت کرد که جبرئیل نازل و سـلام خداوند را به آن مرد زشت رساند و گفت که خدا می فرماید: <<اما ترضی ان

احشرت علی جمال جبرییل>> آیا دوست داری که در قیامت تو به زیبایی جبرئیل باشی؟

مرد شادمان شد و تصمیم گرفت تمام عبادات و مستحبّات را انجام دهد.<۱۱۵۲>

شرّ مطلق وجود نـدارد و خداونـد نیافریـده است، بلکه چه بسـیار اموری که از یک زاویه، شـرّ دیده می شوند و زاویه ای دیگر خیر. چنانکه مولوی می گوید:

زهر مار، آن مار را باشد حیات

لیک آن، آدمی را شد ممات

پس بَد مطلق نباشد در جهان

بَد به نسبت باشد، این را هم بدان

بعضی از سختی ها و فشارها، شرّ نیست، بلکه رمز تکامل است. مولوی می گوید:

گندمی را زیر خاک انداختند

پس ز خاکش خوشه ها برساختند

بار دیگر کوفتندش ز آسیا

قیمتش افزون و نان شد جان فزا

باز نان را زیر دندان کوفتند

گشت عقل و جان و فهم سودمند

باز آن جان، چون که محو عشق گشت

یُعجب الزّراع آمد بعد کشت

قرآن سـفارش می کند که با همسـرانتان خوب رفتار کنید و اگر نسبت به آنان کراهت دارید، چه بسا در کنار آن الطافی نهفته باشـد. <<و عاشـروهنّ بـالمعروف فـان کرهتموهنّ فعسـی ان تکرهوا شـیئاً و یجعـل اللّه فیه خیراً کثیراً>><۱۱۵۳> چنانکه گاهی زن زیبا نیست، ولی مادر

زندانی بزرگ و برجسته می شود.

بسیار از تلخی هـا، استعدادهای مـا را شـکوفا می کنـد، حالت صبر و مقاومت را در ما رشـد می دهـد و دل انسان را خاضع و خاشع می سازد. <<لعلّهم یتضرّعون>><۱۱۵۴>

شب برای مردان خـدا، زمـان بنـدگی و عبادت است: <<یتلون آیات اللّه آناء اللیل>><۱۱۵۵> ولی برای نامردمـان، زمان توطئه و تهدید و هجوم است. <<من شرّ غاسق>>

سخن و یا حرکتی که روابط و دوستی های محکم را متزلزل کند، نفّاثات است و باید از آن به خدا پناه برد.

پناه بردن انسان به خدا، مستلزم پناه

دادن خداوند است وگرنه فرمان پناه بردن لغو بود.

در میان تمام شرور نام سه شرّ در این سوره آمده است:

- شرور پنهان و در تاریکی ها. <<من شرّ غاسق اذا وقب>>

- شرور زبان های ناپاک. <<من شرّ النفّاثات فی العقد>>

- شرور حسادت ها و رقابت های منفی. <<و من شرّ حاسد اذا حسد>>

برخی زنان به خاطر زیبایی و لطافت در گفتار، می توانند مردان را در تصمیمات خود سست کنند و مصداق نفّاثات باشند.

یکی از مصادیق نفّاثات، سحر و جادو است و لذا آموزش و عمل آن حرام است.

با اینکه <<شر ما خلق>> شامل تمام شرور می شود، ولی نام سه شرّ را به خاطر اهمیّتی که دارد، جداگانه آورده است. <<غاسق اذا وقب - النفّاثات فی العقد - حاسد اذا حسد>>

پناه بردن در هر حال لازم است، خواه آنجا که خطر باشد: <<شرّ ما خلق>> خواه دریافت کمال باشد: <<فاذا قرأت القرآن فاستعذ باللّه من الشیطان الرجیم>><۱۱۵۶> هرگاه قرآن تلاوت می کنی از شرّ شیطان به خداوند پناه ببر.

در سوره فلق، در برابر سه شرّ بیرونی، به یک صفتِ الهی پناه می بریم. (از شرّ غاسق و نفّاثات و حاسد، به صفتِ <<ربّ الفلق>> پناه بردیم.) اما در سوره ناس به عکس است. در برابر یک خطر درونی، به سه صفت الهی پناهنده می شویم. (از شرّ وسوسه قلب، به صفاتِ <<ربّ

نّاس>>، <<ملک النّاس>> و <<اله النّاس>> پناه می بریم.)

بحثی درباره حسادت

تلاش برای بدست آوردن کمالات غبطه و ارزش است، ولی تلاش برای نابود کردن کمالات دیگران حسادت است. حسادت نشانه کم ظرفیّتی و تنگ نظری است. اولین قتلی که در زمین واقع شد به خاطر حسادت میان فرزندان آدم بود و اولین گناهی

که در آسمان واقع شد، حسادت ابلیس به آ

بود. در حدیث می خوانیم: حسادت ایمان را می خورد آن گونه که آتش هیزم را.<۱۱۵۷>

آنچه بر سر اهل بیت پیامبرعلیهم السلام آمد که آنان را کنار زدند، ناشی از حسادت بود و قرآن در آیه ۵۴ سوره نساء می فرماید: چرا به خاطر الطاف و تفضّل خداوند، بر افراد لایق حسادت می ورزند، مگر نمی دانند ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم.

حسادت در میان تمام شرور، برجسته ترین شرّ است. زیرا حسود نقشه ها می کشد و حیله ها می کند و مرتکب انواع شرور می شود تا به هدف برسد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الحسد داء عیاء لایزال الا بهلك الحاسد او بموت المحسود»<۱۱۵۸> حسادت مرض خطرناکی است که جز با مرگ محسود یا هلاکت حسود از بین نمی رود.

حسود در واقع به خدا اعتراض دارد و در برابر اراده و حکمت او جهت می گیرد که چرا به او عطا کرده و به من نداده است.

حسود هرگز خیرخواهی و نصیحت نمی کند و به خاطر خوی حسادت، از خیر خودش به دیگران جلوگیری می کند.

قرآن، ریشه بسیاری از گناهان را <<بغیاً>> به معنای حسادت دانسته است و امام صادق علیه السلام می فرماید: «انّ الکفر اصله الحسد»<۱۱۵۹> ریشه کفر حسادت است. چنانکه در برابر پیامبران می گفتند: <<أبشر یهدوننا>><۱۱۶۰> آیا انسانی مثل ما پیامبر شود و ما را

ایت کند؟

حسود، اهل تواضع و تشکر نیست و هرگز به کمالات دیگران گواهی نمی دهد و قهراً مرتکب گناه کتمان حق می شود.

حسود معمولاً منافق است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الحاسد یظهر وُدّه فی اقواله و یخفی بُغضه فی افعاله»<۱۱۶۱> در ظاهر اظهار علاقه می کند ولی در باطن کینه و بغض

دارد.

منشأ حسادت چیست؟

گاهی تبعیض نابجا میان افراد، حسادت آنان را بر می انگیزد.

گاهی مردم توجیه نیستند و شرایط را یکسان می پندارند و همینکه یک برتری و امتیازی دیدند حسادت می ورزند. در حالی که اگر حکمت و دلیل تفاوت ها را بدانند آرام می شوند.

حسادت در خاندان نبوت نیز پیدا می شود، همان گونه که در خانه حضرت یعقوب، حسادت فرزندان، آنان را به چاه افکندن برادر وادار کرد.

دامنه حسادت تنها نسبت به نعمت های مادی نیست، بلکه گاهی نسبت به ایمان افراد حسادت می شود و می خواهند آنان را به کفر برگردانند. <<یردّونکم من بعد ایمانکم کفّاراً حسداً>><۱۱۶۲>

روشن است که حسادت، آرزوی نابودی نعمت دیگران است، وگرنه درخواست نعمت از خداوند، حسادت نیست. چنانکه سلیمان از خداوند حکومتی بی نظیر خواست: <<ملکاً لا ینبغی لاحد>><۱۱۶۳> و حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل از خداوند می خواهد که نصیب او بیشتر باشد و قر

او به خداوند نیز بیشتر باشد. «واجعلنی من احسن عبیدک نصیبا عندک و اقربهم منزله منک...»

برای درمان حسادت باید اینگونه فکر کرد:

دنیا، کوتاه و کوچک است و غصه برای آن ارزشی ندارد.

ما نیز نعمت هایی داریم که دیگران ندارند.

نعمت ها بر اساس حکمت تقسیم شده است، گرچه ما حکمت آن را ندانیم.

آنکه نعمتش بیشتر است، مسئولیّتش بیشتر است.

بدانیم که حسادت ما بی نتیجه است و خداوند به خاطر اینکه بنده ی چشم دیدن نعمتی را ندارد، لطف خود را قطع نمی کند و فقط خودمان را رنج می دهیم.

۱- پناه بردن به خدا را باید به زبان جاری کرد. <<قل اعوذ>>

۲- به خاطر زیادی خطرات و اهمیّت آن انبیا نیز باید به خدا پناه برند. <<قل اعوذ>>

۳- اصلاح خود و جامعه، بدون استمداد و پناهندگی

به خداوند امکان ندارد. <<قل اعوذ بربّ الفلق>>

۴- چون شرور بر قلب و فکر انسان قفل می زنند، باید به قدرتی پناه برد که شکافنده و شکننده قفل ها و موانع باشد. <<بربّ الفلق>>

۵ - در دعا با دید وسیع برخورد کنید. <<شرّ ما خلق>> (همه مخلوقات را در برمی گیرد.)

۶- در میان همه شرور، شر حسادت، تفرقه افکنی، عهد شکنی و توطئه های پنهان اهمیّت بیشتری دارد. <<من شرّ غاسق... شرّ النفاثات... شرّ حاسد>>

۷- دشمن آنقدر می دمد تا تبلیغاتش مؤثّر واقع شود. (<<نفّاثات>> جمع «نفّاثه»، صیغه مبالغه است.)

۸ - با وسوسه ها عقاید سست می شود و حرف اثر می کند. <<من شرّ النفاثات فی العقد>>

۹- حسادت، داروئی جز پناه بردن به خدا ندارد. <<قل اعوذ... اذا حسد>>

۱۰- زمینه ها زمانی خطرناک است که به فعلیّت در آیند. <<حاسد اذا حسد>>

۱۱- حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی بر اساس آن گناه است. <<اذا حسد>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

Falaq is the daybreak–the cleaving of darkness and the manifestation of light. The forces of good are light. When the darkness of ignorance is at its worst, light from Allah pierces through and provides guidance and enlightenment.

This surah is a prayer for seeking divine protection from fears proceeding from visible as well as invisible, known as well as unknown, physical as well as spiritual forces emanating due to interaction of laws created by Allah.

Physical dangers, difficulties, accidents and calamities are also referred to as darkness (ghasiq). If man trusts in Allah, relies on His protection and takes reasonable precautions, protection is made available to him when its evil strikes.

Magical formulae rehearsed by those

.who practice secret acts cause psychological terror

Malignant envy when rendered into action destroys the happiness enjoyed by other .people

As everything is a creation of Allah, nothing has the unchecked power to hurt man if .he or she seeks Allahs protection and takes refuge with Him

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹